

ستاره روشن
(گزیده نغمه‌های شاد)

میرزا حسین طهرسی نوری





◇ ستاره روشن

◇ میرزا حسین طبرسی نوری

◇ اول

◇ جمع و تفصیل صفحات: ۴۷۲ صفحه رقعی

◇ ۵۰۰

◇ بها: ۲۹۰۰

◇ شابک: ۹۶۴-۶۰۰-۶۹۳۲-۸۳-۵

سرشناسه : نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۰۵۴-۱۳۰۰ ق
عنوان و نام پدیدآور : ستاره روشن (گزیده نجم الثاقب) / میرزا حسین طبرسی نوری
مشخصات نشر : تهران: نور محبت، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری : ۴۷۲ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۳۲-۸۳-۵
وضعیت فهرست نویسی : فیا
موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -
موضوع : مهدویت
رده بندی کنگره : الف ۳۱۳۹۳ ن ۹۳۵۱ BP
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۹
شماره کتابشناسی ملی : ۳۵۱۹۹۳۸

فهرست

فهرست	۵
سخن بر سر	۷
مقدمه و پیشگفتا	۱۳
باب اول	۲۵
باب دوم	۵۱
بلا ب سوم	۷۵
باب چهارم	۹۵
باب پنجم	۱۲۹
باب ششم	۱۶۷
باب هفتم	۱۸۳
باب هشتم	۲۰۷
باب نهم	۲۸۵
باب دهم	۳۹۱

باب یازدهم ۴۲۹

باب دوازدهم ۴۵۱

www.ketab.ir

سخن ناشر

در محدث علمی، در یکی از قرائی نور، در سال ۱۲۵۴ هـ. ق. دیده به جهان گشود. در تهران از پدرش شیخ عبدالرحیم بروجردی، مایه علمی گرفت و در سال ۱۲۷۸ هـ. ق. برای کسب علم به شیراز هجرت کرد و از خرمن پرفیض شیخ عبدالحسین تهرانی، شیخ اعظم انصار، بهره جست. سپس به هنگام مهاجرت میرزا حسن شیرازی به سامرا با وی مهاجرت کرد. چند سال در سامرا بود و آنگاه به نجف اشرف، بازگشت و در آنجا اقامت گزید و در همان جا، به سال ۱۳۰۶ هـ. ق. دیده از جهان فرو بست. وی آثار بسیار دارد. (۷۱۴) از جمله: نجم الثاقب فی سوال الامام العج (عج)، به زبان فارسی.

شیخ عباس قمی درباره شخصیت علمی وی می نویسد:

((... اما علمه فاحسن فنه الحديث و معرفة الرجل الا حاطة بالاقال والاطلاع بدقائق الآيات و نکات الاخبار بحيث يتحير العقول عن مفيته مستند به جواهر الاخبار عن كنوزها و ترجع الابصار حاسرة عن ادراك طريقتة في استنباط سرائرها. (۷۱۵))) اما گاهی وی به فن حدیث، رجال، احاطه به دیدگاه دیگری است، شایسته دقایق آیات و نکات روایات، به گونه ای بوده که خردها از چگونگی برداشتن از جنبه های اخبار در شگفتی فرو رفته و نسبت به درك، فهم و شیوه استنباط و کشف اشعار و روایات به دیده حیرت می نگریسته اند.

این اثر، مزین است به تقریظ مرحوم میرزای شیرازی بزرگ.

درباره انگیزه خود از تالیف این اثر می نویسد:

((در سال ۱۳۰۳ هـ. ق. در خدمت میرزای بزرگ بودم.

میرزا فرمود: خوب است، کتابی مستقل درباره حضرت مهدی (عج) به زبان فارسی نگاشته شود. و شما شایستگی انجام این مهم را دارید.

عرض کردم: مقدمات امر فراهم نیست، ولی از آنجا که در سال گذشته، رساله‌ای درباره کسانی که در غیبت کبری، به زیارت حضرت مهدی (عج) مشرف شده‌اند، تحت عنوان: جنة الماء وی نگاشته‌ام، اگر مصلحت باشد، همان رساله را، با افزودن مطالبی بر آن ترجمه

کنم. پیشنهاد پذیرفته شد. لکن میرزا فرمود: شمه‌ای از حالات حضرت مهدی، هر چند به اختصار بر آن افزوده شود. حسب الامر مطالع میرزا، به انجام این اثر اقدام شد و در نهایت عاقل و دانشمند و عالم و محقق و عالم و محقق، بحمدالله در اندک زمانی این خدمت به انجام رسید.))

شمه سنتی شیعی، محدث نوری به خاطر آن که آخرین محب خدا دوازدهمین ولی از زنجیر است، می‌باشد. تبرکاً نجم الثاقب را در دوازده باب به شرح ذیل تدوین و تنظیم نموده است که به این سبب او اصول و اختصار اشاره می‌شود:

باب اول، در بیان سراسر سعادت حضرت مهدی (ع)

باب دوم، در ذکر اشیای و اشیای و اشیای و اشیای و وجه تسمیه (= علت نام گذاری آن ها). مؤلف در این فصل ۱۸۲ نام، که کتب را برای آن جناب ذکر کرده و غالباً زیر هر عنوان مطالبی را از آیات، روایات، تفاسیر، می‌آورد.

باب سوم، که در دو فصل سامان یافته است: فصل اول در «شمایل» و فصل دوم در «خصایص». حاجی نوری در فصل اول شمه‌ای از شمایل ولی عصر (ع) اشاره کرده، و سخن را با این حدیث پیامبر (ص) که فرمود: «مهدی (عج) شبیه ترین مردم به من در خلق و خلق است» آغاز کرده و با آوردن احادیثی از دیگر معصومان (ع) مطالب را پی می‌گیرد. ایشان در فصل دوم به خصایص و ویژگی های آن حضرت می‌پردازد.

وی در این باب به ۴۶ خصیصه منحصر به فرد آن حضرت اشاره می‌کند و وزیر هر خصیصه مطالب روایی و تفسیری فراوانی را در تکمیل و تکمیل بحث می‌آورد و در پایان با اقرار و اعتراف به قصور و عجز خود می‌نویسد: «آن چه که ذکر شد نمونه‌ای از خصایص و تشییفات الهیه مهدویه [است] و اندکی از مقامات عالیة آن حضرت [می‌باشد] و بزرگوار است آن جناب را کسی ندیده و نشنیده و نخواهد دید...».

باب چهارم، به بیان اختلاف مسلمانان درباره وجود آن حضرت اختصاص دارد. محدث نوری در این باب به طرح شبهاتی نظیر: مهدی، همان مسیح است، یا مهدی فرزند عباس می‌باشد، یا مهدی همان محمد بن حنفیه است، تمیز مهدی فرزند امام حسن مجتبی (ع)

است پرداخته و با تسلطی که به نصوص روایی، متون تفسیری، رجال، تاریخ و... دارد پاسخ هایی در خور به این شک و تردیدها می دهد و در پایان این بخش، دیدگاه ۲۰ تن از عالمان اهل سنت و عاظمه را از باب نمونه می آورد.

باب پنجم، به نظریه شیعه که «حضرت مهدی (ع)، فرزند اصام حسن عسکری (ع) است» پرداخته و آن را مورد بررسی قرار داده است. و مرحوم مؤلف در پایان سی حدیث از اهل سنت و ۴۰ حدیث از شیعه در تائید و گفتار خود می آورد.

باب ششم، اثبات امامت آن حضرت از روی معجزات صادره از آن بزرگوار است. اینها را این طوری می نویسند:

«جناب این بزرگوار بسیار است و چون بنای [این کتاب] بر اختصار است لهذا به ذکر چهل معجزه از کتب های که نزد علامه مجلسی (ره) نبوده و یا بوده اما وی از نقل آن غفلت نموده اند می پردازیم. مؤلف می گوید: گفته های ایشان باشد...»

«هر چند بعد از آنکه از وجود این بزرگوار آن ذات مقدس احتیاجی به ذکر معجزه نیست [زیرا نفس بقا و طول عمر آن جناب از اعجاز اوست الهیه و براهین قطعی است و آن [کس] را که آن معجزه با بهره متواتره کافی نباشد این نیز معجزات بزرگ حطی نبرد...»

باب هفتم، مفصل ترین بخش کتاب است. ذکر سعادتمندانی که در عصر غیبت کبرا به حضور آن خورشید پیدای جهان شرفیاب شده اند پرداخته و صد حکایت که برخی از آن ها را خود مؤلف از افراد مورد اعتماد و ثقة شنیده است از آن بزرگوار به خانه خورشید در آن جا آورده شده است. مؤلف در پایان این بخش می نویسد:

«در نقل این حکایات اقتصار کردیم بر آن چه که در کتب معتبره دیدیم و یا از ثقات (= افراد راستگو) و علما شنیدیم و نقل بسیاری از وقایع را که با سند معتبر ما نرسیده بود، ترک کردیم.»

باب هشتم، در شرح و توضیح توقیع شریف در باب «تکذیب مدعی رویت» است. مرحوم محدث نوری این باب را با توقیع شریف به آخرین سفیر خاص امام (ع) در عهد صفویه سمری - علی بن محمد سمری - آغاز می کند. برابر این توقیع، مدعی مشاهده در غیبت کبرا را از خروج سفیانی و صیحه آسمانی - (کذاب مقرر) است و ادعای وی غیر قابل پذیرش. علامه نوری اشکالات و خدشه هایی را بدین شرح بر این توقیع وارد می سازد که این توقیع، خبر واحد وضعیت است و لذا بر آن اعتمادی نمی توان کرد هم چنین شیخ طوسی هم که آن را

نقل کرده بدان عمل ننموده لذا قابل اعتراض است. «این خبر، ضعیف و غیر [از] آن، خبر واحد است که جز ظن از آن حاصل نشود و مورث جزم و یقین نباشد، پس قابلیت [آن را] ندارد که با وجدان قطعی که از مجموع آن قصص و حکایات پیدای می شود، معارضه کند...» البته محققان بعدی در دفاع از این توقیع شریف خدشه های جدی بر گفتار محدث نوری وارد نکرده اند که طالبان می توانند به کتاب های نگارش یافته پس از نجم الثاقب مراجعه کنند.

باب نهم، «دستگیری از درماندگان در بیابان و غیر آن» می پردازد. «اغاثه و فریادرسی درماندگان از منصب الهیة آن جناب خواهد بود...»

باب دهم، «الانصاب خاصة آن حضرت «غوث» است و معنای آن «فریادرس» است و حقیقت معنای این لقب الهی، محقق نشود تا آن که صاحب آن دارای قوّة سامعه ای باشد که هر کس، در هر کس، در هر کس، که در مقام استغاثه برآید، بشنود...» راهنمایی در بیابان و دستگیری گمشدگان از منصب خاص آن حضرت (ع) است که همان «غوث اعظم» و ولی عصر و صاحب الزمان است...»

باب دهم، به بیان وظایف و تکالیف بندگی نسبت به حجت کبرا (ع) اختصاص دارد که مرحوم مؤلف تکالیف عباد و افلاک را به پنج نوع تقسیم می نماید: (۱) تکالیف قلبی (۲) تکالیف جوارحی (۳) تکالیف زبانی و (۴) تکالیف مالی؛ و باب تکلیف قلبی می نویسد: «اگر انسان واقعا جرعه ای از شربت گوارای محبت الهی را بنوشد، اما خود را خسته و رشته قلمش بر حسب فطرت پیوسته به آن حضرت کشیده باشد، البته چنانچه خود را غمگین) شود با فراقی چنین که خواب را از چشم برد و لذت را از طعام و شراب...»

باب یازدهم، در بیان زمان های خاص مربوط به آن حضرت است: شب قدر، روز جمعه، روز عاشورا، عصرهای دوشنبه و پنجشنبه، شب و روز نیکو، شعبان، یازدهم، و هر روز از زردی آفتاب تا آن گاه که به غروب می نشیند.

باب دوازدهم، در این باب نویسنده اعمال و آدابی را یادآور می شود که به شرط ملوص شاید بتوان به برکت آن ها به سعادت ملاقات آن بزرگوار فائز و نائل آمد و بهره و فیض آن وجود شریف بر گرفت:

«و معلوم شد که نیل به این مقصود در غیبت کبرا ممکن و میسر [است]، بلکه روشن شد که می توان به وسیله علم و عمل و تقوای تام و معرفت و تضرع و انابت و تهتیب نفس

قابل تلقی اسرار و داخل در سلک خاصان و خواص شد...» مقصود در این جا به دست آوردن راهی است که شاید [بتوان] به وسیله آن در عمر خویش نوبتی به این نعمت برسد، هر چند در خواب باشد. مؤلف کتاب را با ذکر زیارت ها و دعا هایی در این ارتباط پایان می دهد.

www.ketab.ir

www.ketab.ir

مقدمه و پیشگفتار

سپاس بی‌پایان از آن بزرگوار و عزیز، سزاوار قائلی است بالذات، غایب از عالم اندیشه و حواس و ستایش بی‌حد و احصاء، لا اله الا هو، است ماء موم و مرتجی، در زمان شدت و رخاء، هادی است هر آنچه را که بیدار بود و دلیل است مرآن را که به فرمانش عمل نمود و درود بی‌نهایت به روان پاک خدای پاکساز دهان به بلی و برگزیده ایزد بیچون، پیش از پویشیدن بر آدم، خلعت اصطفارا، فاتحان را بر و رشاد، خاتم رسولان پاک نهاد، منصور موقتید، محمود احمد، ابی القاسم محمد صلی الله علیه و آله و بر پاکان و پاکیزگان از فرزندان آن سرور پیمبران، خصوصاً بر خلف سلف و صاحب غایت و عزت و شرف، قطب زمین و غوث زمان، کنز رجا و کشف امان و گوهر تابان در بحر امکان و کمال زلی ایزد سبحان و اسم اعظم الهی پوشیده و پنهان و عنقای قاف، محیط به جهان، دادگر بر عالمندگان و دادخواه خون برگزیدگان و پاک‌کننده دامن خاک از لوث ملحدان و فرمانبرمای سالکان زمین و آسمان و حجت بالغه خداوندی بر جهان و جهانیان بقیه الله، الحجة بن الحسن السکون، صاحب العصر والزمان علیه و علی آباءه صلوات الله الملك المئان.

و بعد چنین گوید: بنده مذنب مفسیء، حسین بن العالم المؤید، محمد بن علی الطیرسی احسن الله تعالی عاقبتہ و جعل من اشرف الخواتیم خاتمه که عالیجاه و جاییگاه، کمالات اکتناه، مقرب الخاقان، حاجی میرزا حسینعلی خلیف غفران پناه، حاجی علی اصغر نوری و فقه الله تعالی لمراضیه حسب سلامتی فطرت و پاکی طینت، در فکر تحصیل زادی برای معاد و وسیله فوزی، در مقام مرصاد برآمد، چنان دید که وسیله‌ای بهتر از چنگ

زدن به دامان خلیفه الرحمن و امام الانس و الجان علیه السلام و خدمتی به آن ولی علی القدر عظیم الشان نیست.

لهذا در چند ماه قبل، از جناب مستطاب فخر الشیعه و تاج الشریعه و رئیس المسلمین و سید الفقهاء الکاملین و افضل العلماء الراشدين، المنتهی الیه ریاسة الاصلیة فی عصره، بنة الاسلام حاج میرزا محمد حسن شیرازی، مجاور بلدة طیبة سرّ من رأى معّ الله تعالی اهل الایمان بطول بقائه، مستدعی شد که مقرر فرمایند تا کتاب شریف (کمال الدین)، شیخ اقدم، (المعتمد بن محمد بن علی بن بابویه) ملقب به (صدوق) رضوان الله علیه را به زبان فارسی ترجمه کرده تا برای به حلیه طبع درآورد و در میان اهل ایمان منتشر سازد. جناب ایشان دام ظلّه العالیین اجبت در اجابت آن مسئول، مشورت فرمودند.

معروض داشتیم که: (سید علی بن سید محمد اصفهانی) معروف به (امامی)، تلمیذ (علامة مجتهد) آن کس را ترجمه نموده و از اجزای کتاب هشت بهشت اوست که ترجمه هشت کتاب است. چون در این و امالی و خصال.

و نیز بعضی از فضایل معاصرین از سادات شمس آباد اصفهان، کتاب شریف مذکور را ترجمه نموده و ترجمه دوباره این سخن استثنای فاضل، بهتر آنکه همان را منتشر نمایند.

پس، از آن خیال منصرف نشدند و این سخن صحبت داشتند. سخن به جای منتهی نشد و مدتی بر این گذشت تا در ماه شعبان ۱۳۰۳ هجری، از سنه ۱۳۰۳ شبی در محضر ایشان حاضر بودم که سخن آن مطلب در میان آمد و باز جوانی مورخ شد و بالاخره فرمودند: (بهتر آنکه مستقلاً در این باب، کتابی نوشته شود و شخص را بر این خدمت نمایان، شایسته هستی.) اما حقیر به علت قلت بضاعت علمی و کثرت اسباب زیاده و حاضر نبودن بیشتر کتابهایم که اسباب انجام این شغل عظیم بود، عرض کردم، (مقدمت آن در این امر خطیر فراهم نیست و لکن سال گذشته رساله ای مسمی به (جنت المآء) نوشتم و در آنجا، جمع کردم کسانی را که در غیبت کبری به خدمت امام عصر علیه السلام رسیده اند، غرض از آنچه در سیزدهم بحار مذکور است؛ چنانچه صلاح باشد همان را به فارسی ترجمه کرد و در آنجا و در بحار را بر آن بیفزایم؛ کتابی شود لطیف و برآمدن از عهده آن آسان.)

این رأی را پسندیدند و لکن فرمودند: (اقتصار بر آن نشود. شمه ای از حالات، از جناب نیز به آن منضم شود، هر چند به ایجاز و اختصار باشد.)

حسب الامر المطاع العالی، در انجام این خدمت اقدام نموده با نهایت یأس از حال

خویش، جز آنکه حق مجاورت قباب عالیہ حضرتین عسکریین علیہما السلام را وسیله کنم و از آن باب عالی استمداد نمایم.

بحمد الله، از برکت آن محل، برکات الهیة، در اندک زمانی، این خدمت مر جوعه به انجام رسید. شکر حضرت یزدان، جلّ ثناؤه را بجای آوردم. و نام این نامه گرامی را نجم الثاقب در احوال امام زمان علیه السلام گذاشتم و مطالب آن را در ضمن دوازده باب بیان نمودم.

معرفی کتب غیبت و نویسندگان آنها

قبایر و کتب و فهرست اجمالی ابواب و دخول در مطالب کتاب، بایست تنبیه نمود بر مقدم و آن کتب است که متعلق به احوال آن حضرت صلوات الله علیه که معروفند به (کتب غیبت) هستند و آنچه حاضر الوقت از اسامی آنها به نظر رسیده:

- کتاب فی الجلال در غیبت از ابو العباس یا ابو علی، احمد بن علی رازی خصب آبادی.
- کتاب مخبر کائنات من القرآن فی صاحب الامر علیه السلام از ابو عبدالله، احمد بن محمد بن عیاش
- کتاب ترتیب الادلة فی ما یلزم من اصول الامة دفعه عن الغیبة والغایب از احمد بن حسین بن عبدالله مهرانى ابی ابوالباب مروزی.
- کتاب فی ذکر القائم من آل محمد علیه السلام از احمد بن رمیح المروزی.
- کتاب المهدی از ابی موسی، عیسی بن مهران
- کتاب غیبة از حسن بن حمزة العلوی الصبری
- کتاب اثبات الرجعة معروف به (غیبت) از ابی محمد فضل بن شاذان نیشابوری.
- کتاب الحجّة فی ابطاء القائم علیه السلام از آن جناب
- کتاب ازالة الزّان عن قلوب الاخوان در غیبت، از ابو علی محمد بن محمد بن جنید معروف به ابن جنید.
- کتاب کمال الدین از شیخ صدوق.
- رساله غیبت برای اهل ری از آن جناب.
- کتاب غیبت از شیخ جلیل، محمد بن مسعود عیاشی، صاحب تفسیر.
- کتاب رجعت نیز از او.
- کتاب غیبت از ابی عبدالله، محمد بن ابراهیم نعمانی و تملیذ ثقة الاسلام کلینی و این

- کتاب، از نفایس کتب مدوّقه در این باب است.
- شیخ مفید در (ارشاد) از آن مدح کرده و چنان ظاهر می‌شود که قبل از آن، بهتر از آن، تصنیفی در این باب نشده.
- رساله غیبت از شیخ مفید.
- کتاب مقنع در غیبت از سید مرتضی که برای وزیر مغربی نوشته.
- کتاب غیبت از شیخ الطایفه، ابی جعفر طوسی.
- کتاب برهان در طول عمر صاحب الزمان علیه السلام از ابوالفتح، محمد بن علی بن عثمان، ملامه چکی آن را جزو کتاب کنز الفوائد خود کرده.
- کتاب صاحب الزمان علیه السلام از محمد بن جمهور عمی، صاحب کتاب واحد.
- کتاب مقنع و قائم علیه السلام نیز از او.
- کتاب فریاد کربلا از غیاث الدین محمد بن هبة بن جعفر وراق طرابلسی.
- کتاب غیبت از محمد بن علی بن حسین حمدانی که از سفراء امام علیه السلام است، چنانچه شیخ متحجراتین در رجال خود فرموده.
- کتاب توقیعات غیبت از غیاث الدین محمد بن جعفر بیری.
- کتاب جنا الجنّین، فی ذکر و احوال و مناقب علیهما السلام از قطب راوندی.
- کتاب سلطان الفرّج عن اهل الايمان، کتاب در برور اهل الايمان فی علائم ظهور صاحب الزمان علیه السلام و کتاب غیبت هر دو از نساء الذین، علی بن عبدالکریم بن عبدالحمید حسینی نبلی جعفی، صاحب مقالات و کلمات و استاد ابن فهمد.
- بعضی احتمال داده‌اند که دو کتاب اخیر، یکی باشد با شیخ حر عاملی در (امله الامل) در احوال سید مذکور، مفرموده که از تصانیف او انوار المصیئة است در احوال مهدی علیه السلام، اشتباه است. چه انوار المصیئة من حکمة الایمانیه است که است که نظیر ندارد؛ مشتمل است بر جمیع مسایل اصول دین و فروع و ابواب فقه و اخلاق و ادعیه و غیرها. اگر چه احوال آن جناب را در مجلد اول، در بحث حالات سایر ائمه علیهم السلام بسطی داده، لکن کتاب، اختصاصی ندارد به آن جناب.
- کتاب بحار الانوار مجلد سیزدهم که اجمع کتب است که در غیبت نوشته شده. رساله رجعت نیز از آن مرحوم.
- کتاب کفایة المهدی، فی احوال المهدی از سید محمد بن محمد لوحی حسینی

موسوی سبزواری، ملقب به مطهر و متخلص به نقیسی، تلمیذ محقق داماد و بیشتر آنچه در آن کتاب نقل کرده، از کتاب فضل بن شاذان است که اولاً خبر را با سند و متن نقل کرده، آنگاه ترجمه نموده و نیز غیبت شیخ طرابلسی و غیبت حسن بن حمزه مرعشی در نزاد او بوده و ما آنچه از این سه کتاب نقل کنیم به توسط این کتاب است. رساله شرعة التسمیة از محقق داماد رحمه الله.

- رساله کشف التعمیة فی حکم التسمیة از شیخ محدث حر عاملی.
- کتاب ایقاز الہجعة فی اثبات الرجعة نیز از آن مرحوم.
- رساله نکاح از امیر محمد مؤمن استرآبادی از مشایخ اجازه علامه مجلسی.
- رساله در تسمیة نام بردن اسم امام زمان علیه السلام از عالم محقق نحیر، شیخ سلیمان بن زکی بحرانی.
- رساله فلاح السجود جناب سید باقر قزوینی.
- کتاب مولد قائم عالم السلام کتاب محرّجة فیما نزل فی الحرّجة علیہ السلام و کتاب تبصرة الولی فیمن راہی التسمیة مہدی علیہ السلام هر سه از محدث خیر، سید هاشم توبلی بحرانی.
- کتاب عوالم مجلد از آن کتاب سید محمد علی آقاخوند ملا کاظم هزار جریبی، و آن مختصری است از ترجمه بحار یا ترجمه ای است مختصر بحار.
- رساله جنة الماء ویمن فاز بقاء الحج علیہ السلام فی الغیبة الکبری از حقیر و آن به منزله مستدرکی است از باب بیست و سوم در غیبت بحار، ترجمه سیزدهم بحار و ترجمه کمال الدین.
- رساله غیبت از سید جلیل، سید دلدار علی نقوی هندی بحرانی که از فحول علمای آن بلاد بود و صاحب تصانیف رائقه بسیار و از جناب سید باقر قزوینی رحمه الله اجازه دارد و این رساله، رد است بر اقوال عبدالعزیز دهلوی در غیبت آن جناب و از ادوات الله علیه و غیر آنها از مؤلفات که بعضی، دارای تمام حالات آن جناب است. قد استعداد مؤلف و بعضی در تنقیح بعض از امور متعلقه به آن حضرت صلوات الله علیه.
- ما این همه تصانیف، باز جمله ای از مطالب مربوط به آن جناب در ذوایای کتب اصحاب مانده که تاکنون در کتب غیبت، جمع نشده و چون این حقیر بی بضاعت، بنای استقصای مطالب موجوده در آن کتب را ندارم، لهذا به بعضی از مستطرفات حالات و نوادر امور منسوبه

به آن جناب و تنظیم بعضی از مطالب موجوده در آن کتب پرداخته، امید که بر اهل فضل و دانش، محاسن و منافع و لطایف و بدایع آن، مخفی و مستور نماند. وبالله التوفیق و علیه التکلیف.

فهرست اجمالی

مطالب ابواب کتاب به نحو اجمال به جهت سهولت پیدا کردن هر مطلبی در بابش.
باب اول: در ذکر شمه‌ای از حالات و ولادت با سعادت آن جناب صلوات الله علیه و تعالی علیه
باب دوم: در بیان منتهای غایت اخبار آن باب را با ذکر مآخذ و حذف مکررات و اجمال از حالت حکیمه خاتون سلام الله علیها.

باب سوم: در بیان منتهای غایت القاب و کنیه‌های آن حضرت علیه السلام که از صریح و فحوای کتاب و مستند صریح روایات محدثین و علمای جال و غیرهم به دست آمده و آن یکصد و هشتاد و دو اسم، و اسامی مرکب و سه اطلاق میشود، چنانچه بیاید در باب چهارم.

باب سوم: مشتمل بر دو فصل:

فصل اول در شمایل آن جناب

با استقصای نام و ایجاز در کتاب

فصل دوم در خصایص آن جناب و صفات خاصه الهیه که به آن حضرت علیه السلام شده یا خواهد شد بالنسبه به جمیع انبیاء و اوصیاء گذشته علیهم السلام یا بالنسبه به اکثر ایشان که معدودی در بعضی از آنها با آن جناب شرکت در بدو آن جهت می‌شود از آنها در اینجا چهل و شش است.

باب چهارم: در ذکر اختلاف مسلمین در آن جناب بعد از اتفاق ایشان در صحت صدور اخبار نبویه بر تجمیع آمدن شخصی در آخر الزمان، همانا آن جناب علیه السلام به مهدی علیه السلام که پر کند دنیا را از عدل و داد و ذکر کتب مؤلفه از اهل سنت و احوال آن جناب و محل اختلاف در چند جا است:

اختلاف اول در نسب که آن جناب از فرزندان کیست؟ و در آن چهار قول است:

اول آنکه: از اولاد عباس است.

دوم: علوی غیر فاطمی است.

سوم: آنکه حسنی است.

چهارم: آنکه حسینی است و بیاهن صحبت این قول و ابطال آن سه، به نحو اوفی.

اختلاف دوم در اسم پدر آن جناب و در آن دو قول است:

اول: قول امامیه که نام پدر آن جناب حسن علیه السلام است.

دوم: قول بعضی از عامه که نام او عبدالله است و ابطال این قول.

اختلاف سوم در تشخیص و تعیین آن جناب و در آن ده قول است:

اول: قول کسانی که محمد بن حنفیه است یا پسر او.

دوم: قول مغیره که محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن علیه السلام است.

سوم: اسمیه خالصه که اسماعیل پسر حضرت صادق علیه السلام است.

چهارم: و سید که حضرت صادق علیه السلام است.

پنجم: سید که محمد بن اسماعیل بن امام جعفر صادق علیه السلام است.

ششم: واقفیه که حضرت حکم علیه السلام است.

هفتم: عسکریه که حضرت علی علیه السلام است.

هشتم: محمدیه که ابو جعفر محمد بن علی الهادی علیه السلام است.

نهم: امامیه که خلف صالح بن الحسن عسکری علیه السلام است.

دهم: جمهور اهل سنت که هر یک را کسی تعیین نکنند و در آنجا ذکر نمودیم

اسامی بیست نفر از علمای ایشان را از فقها و محدثین و غیره که با امامیه در این مطلب موافقت یا

ذکر کلمات آنها و مدح و توثیق ایشان از علمای ایشان و بیست مسلسل شیخ بلا دري

معروف که از خود آن حضرت روایت کرده و ذکر کرده اند و بیست اهل سنت را بر امامیه

در این مقام و جواب آنها به نحوی که در کمتر کتابی جمع شده و نیز در آنجا ابطال نمودیم قول

شاذی را که فرزندان امام حسن علیه السلام وفات کرده.

باب پنجم: در اثبات نمودن مهدی موعود همان حجة بن الحسن العسکری علیه السلام

از روی نصوص اهل سنت

و از آنها سی حدیث ذکر شده و نصوص امامیه، زیاده بر آنچه علامه مجلسی در جایز

و سیزدهم بحار نقل فرموده و آنها چهل حدیث با سند نقل شده و بیشتر آنها از کتب (ص)

فضل بن شاذان است.

باب ششم: در اثبات دعوای مذکوره از روی معجزات صادره از آن جناب

زیاده از آنچه در ابواب دیگر متفرقا ذکر می شود و از غیر کتبی که علامه مجلسی ره از آنها

نقل فرموده و از آنها چهل معجزه نقل نمودیم.

باب هفتم: در ذکر آنان که در غیب کبری خدمت آن جناب رسیدند یا بر معجزه آتیزرگوار واقف شدند. اثری از آثار داله بر وجود آن جناب که عمده غرض از تاءلیف این کتاب بود، در آنجا صد حکایت ذکر شده است. و قبل از شروع در آنها، ذکر شده نام آنان که در غیبت صغری امت آن جناب مشرف شدند یا واقف شدند بر معجزه‌ای و در ذیل بعضی از آنها مطالب نفیسه مناسبه درج شده است.

چنانچه در ذیل اول، کیفیت نماز منسوب به امام عصر علیه السلام از برای شدايد و حاجات و حال مجدد جمکران در قم که به امر آن حضرت بنا شده، ذکر شده.
و در باب قصه پسرهای فرزندان آن حضرت است، اثبات شده بودن عیال و اولاد برای آن جناب و نیز در چندین بلاد در همین ارض در بز یا بحر و مستور بودن آن از انظار، حتی از عبور کنندگان آنجا. انواع وقوع نظایر آن، به نحو اختصار و در ذیل سی و هفتم که قصه جزیره خضراست این مطالب مشروح بیان شده.
و در پنجم، اجمال احوال شیعیان، پسر اسماعیل هرقلی که زخم رانش را در سامره، حضرت شفا داد.

و در ششم، ذکر یکی از رقااع استغاثه حضرت که قلیل الوجود است.
و در هفتم، تحقیق حال نر می کف مبارک آن حضرت و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله یا در شستی و غلظت آن و اختلاف شراح و ادیب در قرائت (شتن الکفین) که در خبر شمایل است که با تایی قرشت است یا تاء نخذ.

در دهم، توضیح آنکه شارع ترددات کتاب شرایع، محقق در حدیث است.
و در یازدهم، بیانی از الطاف خفیه و هدايات خاصه الهیه شد و ذکر نامی معروفین از بنی طاووس که ارباب تصانیف اند.

و در ذیل نوزدهم، اشکال در خبر معروف اللهم شیعتنا منّا الخ و کلام شیخ باب برسی.
در بیستم، شرح نسبت هر روز از ایام هفته به امامی و کیفیت نماز هدیه که در حدیثی رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام کرد و ترتیب آن در ایام هفته و ذکر تسبیح امام عصر علیه السلام که باید از روز هجدهم هر ماه خواند تا آخر ماه.

و در بیست و دوم، ذکر تسبیح امام عصر علیه السلام به سید رضی الدین آوی داد.
و در بیست و هفتم، اشاره به این که وجود اماکن شریفه مانند مشاهد و مساجد و مقابر امام

زادگان و صلحا و مواضعی که یکی از حجج طاهره در آنجا قدم گذاشتند در بلاد، از نعم سنیه الهی است.

و در بیست و هشتم، ذکر دعای معروف که باید در ماه رجب و مسجد صمصعه خواند.
و در سی ام، ذکر چند دعا که معروفند به دعای فرج.
در سی و یکم، ذکر خبر ثواب زیارت ابی عبدالله علیه السلام در شب جمعه که امام عصر علیه السلام حکم به صحت آن فرمودند.

و در سی و نهم که قصه جزیره خضراست، بیان اعتبار سند آن و حال فضل بن یحیی، روی آن و ذکر کلماتی نظیر آن و کلمات اشعریه در اماکن و جودا غریب از آن و اجمالی از حال جابلس و سایر حکما و حکیمان امام عصر علیه السلام از خمس، در آیات غیبت و تکلیف آنکه به دستش می افتد و نحوه سلوک امام زمان علیه السلام در غذا و لباس.

در سی و هشتم، اجمالی از حال جناب میرزا محمد تقی النامی.
و در پنجاه و یکم، ذکر بعضی از آثار که اسم امامی در آن منقوش شده بود.
و در پنجاه و دوم و سوم ترجمه قصصاتی که برای شیخ مفید رحمه الله رسید و بیان عدد و اعتبار آنها و عذر عدم تعرض ذکر کلمات و آیات مشهور در این کتاب.
در شصت و چهارم، بیان اختلاف فی حدیثی که کامله.

و در شصت و پنجم، ذکر بعضی از روایات ضعیفه کامله.
و در شصت و ششم، ذکر کرامتی از شیخ محمد پسند صاحب عالم.
و در هفتادم، اختلاف نسخ زیارت جامعه و فضیلت عجیب زیارت عاشورا.
و در نود و دوم، اشاره به بعضی از مقامات عالیه صاحب کرامات جناب سید باقر قزوینی اعلی الله مقامه.

و در نود و ششم، اجمالی از احوال سید الفقها، جناب سید مهدی قزوینی و احوال و احوال و احوال آن مرحوم.

در ذیل حکایت و در ذیل حکایت صدم، ذکر شبهه و استبعاد مخالفین در طول عمر امام زمان علیه السلام و ذکر بعضی از کلمات آنها و جواب از آنها مشروح و ذکر عبودیت صاحب کرامات گفته که او هفت سال در صحرا خوابید و ذکر کلمات و شمه ای از تکالیف جماعتی از اهل سنت که دعوی رؤیت آن جناب را کردند در آیات غیبت و ذکر جمله ای از معمرین و حدیث غریبی در حال دجال که از اخبار صحیحیه ایشان است و حکایت عجیبی از الیاس نبی علیه السلام و شرح

حال معمر مغربی و سبب طول عمر او و بیان رفع توهم تعدد در او و بیان جواز طول عمر به قواعد نجومیه و بعضی فواید طریقه و مراد از خرابات در حکایت شصت و ششم.

باب هشتم: در جمع بین حکایات و قصص مذکوره و آنچه رسیده در اخبار که باید مدعیرو یی را در غیبت کبری تکذیب نمود و بیان و جوب صرف آن اخبار از ظاهر خود و ذکر پنج وجه ای آنها از کلمات علما و مطاوی اخبار ظاهر می شود و ذکر تصریح جمعی از اعلام به امکان رؤیت در ایام غیبت و بعضی از کلمات سید جلیل علی بن طاووس که ظاهر است در دعوی در این مقام ای نفس خود.

باب نهم: در عذر داخل نمودن چند حکایت از در ماندگان در بیابان و غیر آنها در ضمن کلمات سابقان بودن شاهی در آنها بر اینکه آن نجات دهنده و فریادرس، امام عصر علیه السلام بوده و چنانچه سایر علما ذکر کردند و بیان آنکه به هرامامی برای کدام حاجت باید متوسل شد اثبات آنکه ائمه ملهوفین، از مناصب خاصه امام زمان علیه السلام است و ذکر لقب غوث و قطب و امیر برای آن جناب و کلام شیخ کفعمی در ذکر قطب و اوتاد و ابدال و نجبا و صلحا و توضیح آن فریادرس و نجات دهنده به نحو خارق عادت یا خود آن جناب است یا از خواص منزه شریف و تکریم نمودن آن شخصیکی از این دو و احتمال بودن او یکی از اولیا، باز دلالت کند بر این که وجود آن جناب است.

باب دهم: در ذکر شمه ای از تکالیف و ادب به آن جناب و آداب و رسمبندی و عبودیت خلق بالنسبه، به ایام غیبت و از آنها هفت چیز ذکر شده:

اول: مهموم بودن برای آن جناب و برای آن سبب ذکر شده.
دوم: انتظار فرج و ثواب فضل آن.
سوم: دعا کردن از برای حفظ آن وجود مبارک و از دعاها مایه مطلقه و موقته، هفت دعا برای این حاجت ذکر شده.

چهارم: صدقه دادن برای سلامتی و جود آن شخص معظم.
پنجم: حج کردن یا حجه دادن برای آن ولی النعم.

ششم: برخاستن از برای تعظیم شنیدن اسم مبارک آن حضرت.
هفتم: دعا کردن از برای حفظ دین و ایمان خود، از شر شیهای شیطانی جن و انس داخلو

خارجی در ظلمات ایام غیبت و از ادعیه ماثوره هفت دعا برای این مطلب ذکر شده.
هشتم: استمداد و استعانت و استکفا و استغاثت به آن جناب در هنگام شداید و احوال و

کیفیت توسل و یکی از رقااع استغاثه و اشاره به بعضی از مقامات آن جناب در علمو قدرت الهیه و احاطه به رعایا و جهات تشبیه آن جناب در غیبت، به آفتاب زیر سحابو ذکر یکی از توسلات معروفه و مجربه به آن حضرت.

باب یازدهم: در ذکر پاره‌ای از ازمنه و اوقات که اختصاص دارد به امام عصر علیه السلام و تکلیف رعایا در آن اوقات بالنسبه به آن جناب و از آنها هشت وقت ذکر شده:

اول: شب قدر، بلکه بر دو شب معهود.

دوم: جمعه.

سوم: روز سورا.

چهارم: وقت شدن آفتاب تا غروب آن در هر روز.

پنجم: عصر و شنب.

ششم: عصر و شبیه.

هفتم: شب و روز و سابع.

هشتم: روز نوروز و در ذکر اعمال و آداب و ادعیه متعلقه به آن و سبب نسبت

آنوقت را به آن جناب بیان نموده.

و در آخر باب، اشاره شده به اختصاص بعضی از امکنه منسوبه به آن جناب و نیز حضور آن

حضرت در تشییع جنازه هر مؤمنی.

باب دوازدهم: در ذکر اعمال و آدابی که شایسته آن بزرگواران، به سعادت ملاقات و شرف

حضور باهر النور امام عصر صلوات الله علیه رسید، چنانچه سحاب یا زشاسد، در خواب یا بیداری

و اثبات آنکه مواظبت عملی، از کردنیها و گفتنیها، خوبتر در عمل روز، سبب تاءثیر و

افاضه صورتی و انتقال از حالتی است به حالتی، والله العالم.